

## توسعه میادین نفت و گاز یا واگذاری ثروت ملی به

### انحصارهای فراملی

طی چند هفته گذشته، اخبار مربوط به مذاکرات فشرده مقام های جمهوری اسلامی با برخی انحصارهای فراملی پیرامون جلب سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت، در رسانه های همگانی انتشار گسترده یی داشت. در کنار این مذاکرات، گزارش های متعددی در مطبوعات داخلی و خارجی منتشر گردیده، مبنی بر اینکه، بر پایه مجموعه طرح هایی که تدوین آنها به پایان رسیده، قرار است در مدت زمانی کوتاه، قسمت های مختلف شرکت ملی نفت ایران به بخش

خصوصی واگذار شود. در این طرح ها که به ویژه در برنامه چهارم توسعه و سند نهایی چشم انداز ۲۰ ساله ایران (از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ خورشیدی) به وضوح هرچه تمام تر انعکاس دارد. صنایع کلیدی و راهبردی کشور، از آن جمله شرکت ملی نفت ایران، خصوصی شده، و دیگر جز نامی از صنعت نفت ملی باقی نخواهد ماند. در این رابطه، از هم اکنون، با تدوین قوانینی به سرمایه گذاران خارجی اجازه فعالیت در بورس تهران داده شده است. یک عضو هیات ریسه کمیسیون برنامه و

ادامه در صفحه ۲

### سپاه پاسداران، بازوی مسلح و

### سرکوبگر ارتجاع حاکم

نامی بر نامه فرمانده سپاه پاسداران به

رئیس مجلس

در تحولات پرشتاب و بسیار پر اهمیت میهن ما، سپاه پاسداران، بار دیگر با دخالت در امور سیاسی که، با وظایف ارگان های نظامی مغایرت دارد، در صدد است، با به تشنج کشاندن جامعه و تشدید فضای پلیسی موقعیت رژیم ولایت فقیه را حفظ و تحکیم کند. فرمانده سپاه، رحیم صفوی، طی نامه یی که هفته گذشته، به طور گسترده در رسانه های همگانی بازتاب یافت، به نحوی بارز به تهدید نمایندگان اصلاح طلب حکومتی پرداخت. در این نامه، که پاسخی به سخنان فاطمه حقیقت جو بود، بر عزم سپاه، به عنوان اصلی ترین حافظ رژیم واپس گرای ولایت فقیه، در سرکوب و

ادامه در صفحه ۳

پیام های پنجمین کنگره حزب توده ایران به:

\* به اعضاء و هواداران حزب ص ۴

\* مصاحبه با دبیر کل حزب کمونیست عراق ص ۵

از پیام های رسیده به پنجمین کنگره

حزب کمونیست اسرائیل

حزب کمونیست اردن

جبهه ترقی و دموکراسی بحرین ص ۸

## تضاد ماهوی رژیم ولایت فقیه با دموکراسی و

### تحقق حقوق بشر در ایران

اول آذرماه امسال مصادف بود با پنجمین سالگرد قتل های زنجیره یی دگراندیشان و مبارزان راه آزادی. کشتار وحشیانه پروانه و داریوش فروهر و همچنین محمد مختاری و پوینده، به دست عناصر امنیتی رژیم که در ارتباط مستقیم با سران ارتجاع قرار داشتند، در کنار هزاران قتل سیاسی سال های پیش از این، از جمله فاجعه ملی قتل عام هزاران زندانی سیاسی، در تابستان سال ۱۳۶۷، بار دیگر ماهیت عمیقاً ضد انسانی و ضد مردمی حکومت گران حاکم بر میهن ما را در معرض قضاوت افکار عمومی ایران و جهان قرار داد. این شیوه حکومت مداری «نظام نمونه جهان» بخش جدا ناپذیر و درهم تنیده ساختاری است که ثبات و ادامه حیات خود را در سرکوب خشن آزادی اندیشه، به بند کشیدن، شکنجه و نابودی مبارزان راه آرمان های مردمی و دگراندیشان می بیند.

افزون بر این، روند پنج سال گذشته، و برخی تلاش ها برای پی بردن به حقایق و یافتن آمران و عوامل اصلی این قتل ها، و دادخواهی داخلی و بین المللی، و همچنین نمایشات مضحک دستگاه قضایی رژیم که با عنوان «دادگاه قتل

سرن رژیم و بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع در سخنرانی ها و مطالبی که منتشر می کنند عوام فریبانه مدعی اند همین که مخالفان وجود دارند، و در مجلس و همایش های گوناگون سخنرانی می کنند و در روزنامه ها و

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



شماره ۶۷۴، دوره هشتم  
سال بیستم، ۴ آذر ماه ۱۳۸۲

## ادامه توسعه میادین نفت ...

بودجه مجلس، در مصاحبه بی، یاد آور شد: خرید سهام شرکت های فعال در بورس تهران توسط سرمایه گذاران خارجی در مجموع منجر به رشد فعالیت های تولیدی و اقتصادی در کشور خواهد شد و این کار برای افزایش سرمایه شرکت های خصوصی و امکان حضور بیشتر سرمایه گذاران خارجی صورت می گیرد.

در صنایع نفت و گاز اکنون شاهد نوعی خصوصی سازی هستیم. خیر مذاکره برای توسعه میدان نفتی آزادگان، که یکی از بزرگترین و غنی ترین میادین نفت خاورمیانه است، نمی تواند توأم با احساس خطر و نگرانی نباشد، چرا که، طرف مذاکره کننده یک شرکت ایرانی است و از شرکت ملی نفت ایران سخنی در میان نیست! بر اساس خبر های انتشار یافته، یک شرکت ایرانی به نام شرکت مهندسی و توسعه نفت «متن»، هدایت مذاکرات برای توسعه این میدان و جلب و جذب سرمایه خارجی را بر عهده دارد. مذاکرات این شرکت که عمدتاً به صورت مخفی است با برخی انحصارها مانند، شل توتال، انی، استات اویل و بریتیش پترولیوم در جریان است. حساسیت این مذاکرات از آنجا ناشی می گردد که، قبلاً مسئولان رژیم ولایت فقیه، در اقدامی کاملاً مغایر با منافع ملی ایران و فقط با هدف حفظ و تثبیت رژیم، در برابر فشارهای بین المللی، انحصار فعالیت در این میدان غنی نفتی را با امتیازات بسیاری به ژاپنی ها واگذار کرده بودند. اما ژاپن با توجه به معادلات سیاسی و به علل کاملاً مشخص سیاسی، انجام هر گونه عملیاتی در میدان آزادگان را به زمانی نامعلوم موکول کرد، و جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داد. این حرکت ژاپن، سبب شد، شرکت های خارجی دیگر، برای انجام فعالیت در میدان عظیم آزادگان، علاوه بر امتیازاتی که ژاپنی ها از آن بهره مند شده بودند، خواستار امتیازات و تسهیلات بیشتر و سهل تری بشوند و از موضع قدرت وارد مذاکره گردند.

برای اثبات این مدعا، کافی است به سخنان یکی از مدیران ارشد شرکت ایرانی علی اکبر آل آقا، اشاره کرد. وی در خصوص چگونگی برخورد شرکت های اروپایی پس از کنار کشیدن ژاپنی ها، با صراحت اعتراف می کند: «شرایط میدان نفتی آزادگان به گونه ای نیست که، هر شرکت نفتی بتواند در توسعه آن مشارکت کند ... لذا از چهار شرکت بزرگ نفتی شل (انگلیسی - هلندی)، توتال (فرانسوی)، انی (ایتالیایی) و استات اویل (نروژی) دعوت به عمل آمد. اما شرکت شل به دلیل آنکه در مذاکرات توسعه این میدان با شرکت های ژاپنی شریک بود، از مشارکت کناره گیری کرد، استات اویل و انی هم تمایلی نشان ندادند ...»

نکته مهم اینجاست که، انحصارهای فراملی با وجود اینکه با یکدیگر رقابت دارند، ولی در مواردی چون موضوع میادین نفت و گاز ایران، با سیاست و برنامه بی هماهنگی اقدام می کنند. عملکرد شرکت های ژاپنی خود گویای این واقعیت است. ژاپنی ها گرچه فعالیت در این میدان نفتی را معلق ساخته اند اما پایه پای شرکت های اروپایی، تمایل خود را به از سرگیری مذاکره و عقد قرارداد به شرط تسهیلات و امتیازات بیشتر اعلام کرده اند. مدیر شرکت ایرانی «متن»، در مصاحبه بی خاطر نشان ساخته است: «بعد از سر رسیدن مدت زمان انجام مذاکرات انحصاری با شرکتهای ژاپنی در تیر ماه

امسال (۱۳۸۲) مناقصه عمومی توسعه این میدان برگزار شد ... البته مذاکرات با شرکت های ژاپنی در خصوص توسعه این میدان هیچ گاه قطع نشده و محور مذاکرات علاوه بر مسایل فنی، حول مسایل مالی و قراردادی بوده است.»

علاوه بر میدان عظیم آزادگان، میدان نفتی بنگستان نیز که، از میادین بزرگ و غنی در جنوب ایران به شمار می آید، دچار سرنوشت مشابهی است و مدتهاست شرکت بریتیش پترولیوم (انگلستان) و توتال (فرانسه) به مذاکره و چانه زنی با مقامات رژیم مشغولند. البته طرف مذاکره با این انحصارهای فراملی باز هم نه شرکت ملی نفت و یا مقام مسئولی از طرف وزارت نفت که، دو شرکت به نام های شرکت مهندسی و توسعه نفت «متن» و شرکت «نفت خیز جنوب» هستند! بریتیش پترولیوم خواستار مشارکت و سهم انحصاری در میدان نفت بنگستان شامل: اکتشاف، بهره برداری و صدور است، و اگر خواست های آن مورد قبول واقع گردد، باید گفت فقط یک سهم ناچیز به ایران تعلق خواهد گرفت.

به این ترتیب، خصوصی سازی در شرکت ملی نفت ایران و حراج صنعت نفت مدتی است که آغاز شده است و شرکت های خصوصی، نیمه خصوصی و نیمه دولتی که، عمدتاً به وسیله آقازاده ها و افراد و عناصر وابسته به سران رژیم اداره می شوند، بر منابع سرشار نفت و گاز، به عنوان شاهرگ حیاتی در آمدهای ارزی کشور، تسلط یافته اند. از چند سال گذشته به این سو، اقدام های این شرکت ها که معمولاً با رشوه، فساد مالی و اداری آمیخته است، واکنش هایی را در داخل و خارج کشور سبب شده است که آخرین آنها، افتتاح مالی و پرداخت رشوه توسط مدیران استات اویل نروژ به یک شرکت ایرانی بود که توسط فرزندان رفسنجانی تأسیس و اداره می گردد. اما نکته بی که باید به ویژه مورد توجه قرارداد اینست که به موازات گسترش حضور انحصارهای فراملی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی ایران، صادرات نفت ایران به خارج به ویژه ژاپن و اروپا افزایش چشمگیر یافته است. طبق گزارش مرکز آمار اتحادیه اروپا، صادرات نفت ایران به کشورهای اتحادیه اروپا، در شش ماهه اول سال جاری، افزایش داشته است. هلند، که مرکز بازار نفت ترندام در آن واقع است، در شش ماهه اول امسال ۴۸۸ میلیون یورو محصولات نفتی از ایران وارد کرد که، ۱۶۲ میلیون یورو بیشتر از شش ماهه نخست سال گذشته بوده است.

اما آیا ارز حاصل از این صادرات نفت به طور عمده به ایرن تعلق می گیرد؟ پاسخ منفی است. همزمان با انتشار اخبار مربوط به واگذاری میادین نفتی عظیم کشور به انحصارهای فراملی، مدیر عامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی اعلام کرد: «میزان مصرف بنزین در هفت ماهه اول امسال به روزانه ۳/۵۳ میلیون لیتر رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷/۱۱ درصد افزایش یافت.» همین مقام مسئول اضافه می کند: «میزان تولید بنزین از ابتدای سال جاری تا کنون ۵/۸۵ میلیون لیتر در روز بوده و در دیگر سو وادرات بنزین (توجه کنید واردات بنزین) در این مدت روزانه ۲/۱۵ میلیون لیتر بود که، ۷/۱ میلیون لیتر آن ماده افزودنی وارداتی است.

به این ترتیب ایران به عنوان کشوری نفت خیز و صاحب ثروت، نفت خام صادر می کند و با همان پول بنزین و فرآورده های نفتی وارد می کند. یعنی همان کشورها و انحصاراتی که خریدار نفت ایران هستند، پول خود را به علاوه سود آن با فروش بنزین از کشور ما باز پس می گیرند. در واقع ارز حاصل از فروش نفت به طور عمده به خرید بنزین از خارج و

## ادامه سپاه پاسداران، بازوی مسلح ...

وحشت آفرینی تاکید گردیده است. رحیم صفوی از جمله نوشته است: «سپاه پاسداران خود را نسبت به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن و اندیشه های خمینی متعهد می داند.» در این نامه به وضوح قید شده: «مبارزه قانونی (!!!) با عوامل و جریانات خرابکاری و اقدام علیه (نظام) از ماموریت های سپاه است ... در شرایط تهدید خارجی و موقعیت حساس فعلی کشور، حملات کور و کلیدی به ارکان نظام، نهادهای انقلاب و ارزش های بنیادین جامعه، بی تردید چیزی جز تضعیف امنیت ملی تعبیر نمی شود.» در بخش دیگری از نامه که، تهدیدی آشکار به شمار می آید، فرمانده سپاه با اصل قرارداد «انسجام نظام»، خواستار کنترل رفتارهای افراطی می شود که به زغم وی به حیثیت مجلس خدشه وارد می سازد. در عین حال برای اینکه قدرت و امکانات سپاه را به رخ جنبش مردمی بکشاند، رحیم صفوی خطاب به نمایندگان مجلس می نویسد: «اگر نمایندگان محترم در این خصوص (یعنی نقش سپاه در سرکوب) سوالی دارند از مجرای حقیقی خود استفسار نمایند.» این برای نخستین بار نیست که سپاه پاسداران به عنوان یک ارگان نظامی امنیتی در معادلات سیاسی میهن ما خود نمایی می کند، هم سویی و هماهنگی فرماندهان سپاه با رهبری رژیم و عناصری چون رفسنجانی، جنتی، عسگر اولادی و امثالهم، آنهم در موقعیت بسیار حساس کنونی، نه اتفاقی است و نه شگفت آور! از فردای رخ داد دوم خرداد و «نه» بزرگ مردم به رژیم ولایت فقیه، سپاه همواره نقش جدی بی در مقابل به خواست های بحق توده های مردم بر عهده داشته است. اکنون نیز بسیاری از فرماندهان سپاه پاسداران آشکار و پنهان از برقراری شرایط اضطراری و خاموش ساختن صدای مردم جانبداری می کنند. محتوی و معنای نامه رحیم صفوی دقیقا این هدف را نشان می دهد. نکته جالب توجه در ارتباط با نامه فرمانده سپاه به مجلس، واکنش هایی است که، در محافل درون و پیرامون حکومت برانگیخته است.

جناح ذوب در ولایت و باندهای متعدد تحت هدایت رفسنجانی، با شور و شغف فراوان از این موضع گیری سپاه حمایت کردند. همین جریانات ضد ملی و مردم ستیز با صراحت کم سابقه بی به دفاع از نقش سپاه در دفاع از نظام پرداختند و یادآور شدند که، سپاه می تواند به عنوان ضابط قوه قضاییه اقدام کند و بنا بر این، نقش آن در پیگرد و بازداشت فعالان سیاسی، دگراندیشان، نویسندگان و مبارزان جنبش دانشجویی دخالت در سیاست قلمداد نمی گردد!

ارتجاع در تبلیغات خود می کوشد، سپاه را نهادی فراجناحی معرفی سازد که به وظایف قانونی خود عمل می کند و لذا انتقاد و حمله به آن به هر شکل عملی افراطی و غیر قانونی است. در همین زمینه روزنامه انتخاب که، به رفسنجانی نزدیک است، در مطلبی ضمن دفاع از سپاه و اقدامات قانون شکنانه آن تاکید کرد: «مبارزه قانونی (!!!) با عواملی که، در صدد بر اندازی نظام هستند اولین ماموریت این نهاد است و کلیه اقدامات آن در چارچوب قانونی انجام می گیرد.» واقعیت اینست که، سپاه در طول دو دهه گذشته، همیشه در

معادلات سیاسی کشور دارای نقشی مخرب و ارتجاعی بوده است. این نهاد ضد مردمی در سرکوبهای خونین دهه شصت نقش اصلی را ایفا کرد و دست در دست رفسنجانی و خامنه ای در ادامه جنگ، با هدف تثبیت رژیم، فعال ترین ارگان محسوب می شد. حضور سپاه در حیات سیاسی میهن ما، مساوی با سرکوب، اعدام، شکنجه و ترور و در حیات اقتصادی نیز مدافع رشد و رواج اقتصاد دلالی و واسطه گری و روابط انگلی است.

اینکه طی چند سال اخیر، این نهاد اداره کننده بازداشت گاه های مخفی و غیر قانونی و نیز دستگیری، شکنجه و قتل فعالان دگراندیش بوده، جای شگفتی ندارد. اصولا سپاه پاسداران همواره چنین نقشی را ایفا کرده است. در هیچ مقطعی از دو دهه گذشته، سپاه نقش و عملکرد مثبتی نداشته است. سپاه پاسداران بنا به ماهیت واپس گرای خود، برای خویش موقعیتی فرا قانونی قایل است و مستقیما از ولی فقیه، به عنوان فرمانده کل قوا، دستور می گیرد. این نهاد بازوی ارتجاع و استبداد در رویارویی با جنبش مردمی است و در درگیری های جناحی در سمت جناح ذوب در ولایت قرار می گیرد، زیرا هر گونه تحول در جامعه، این نهاد را از جایگاه کنونی اش به پس خواهد راند. حرکت در سمت تامین حقوق دموکراتیک، قانون گرایی و برقراری عدالت اجتماعی، موقعیت ممتاز فرماندهان سپاه را چه در زمینه سیاسی، نظامی و اطلاعاتی و چه در زمینه منافع مالی به چالش می طلبد و از این روست که این ارگان به سختی در برابر جنبش مردمی ایستادگی می کند.

نامه اخیر فرمانده سپاه پاسداران به رئیس مجلس، در واقع سند روشن دیگری است در تأیید نقش فوق العاده مخرب و ضد مردمی سپاه به عنوان بازوی مسلح سرکوب ارتجاع در میهن ما. بر این اساس انحلال سپاه و تقویت نقش نهادهای قانونی بی که در برابر قانون پاسخ گو هستند، از جمله خواست های مهم جنبش مردمی در شرایط کنونی است.

## ادامه توسعه میادین نفت ...

باز پرداخت بدهی های هنگفت خارجی می رسد. معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرده است، قیمت تمام شده هر لیتر بنزین وادراتی ۲ هزار ریال است در حالی که قیمت تمام شده بنزین تولید داخلی کمتر از هر لیتر ۱۸۰۰ ریال است. وی با یادآوری پول کلانی که به این صورت از کشور خارج می شود، می گوید ارزش مصرفی مورد نیاز واردات امسال بنزین (۱۳۸۲) و مواد افزودنی آن بیش از ۱ میلیارد دلار ارزیابی شده است. آمار وزارت نفت نشان می دهد، فقط در ماه های مهر و آبان امسال روزانه ۱۹ میلیون لیتر بنزین وارد شده، و وزارت نفت خاطر نشان ساخته است که، کشور توان مالی واردات روزانه بیشتر از ۱۹ میلیون لیتر را ندارد، برای واردات بیشتر بنزین باید منابع مالی آن تأمین گردد، و مضحک تر اینکه، حتی تأمین منابع مالی از خارج برای واردات بنزین از سوی برخی مسئولان رژیم ولایت فقیه پیشنهاد شده است!

خصوصی سازی در صنعت نفت و واگذاری توسعه میادین غنی کشور به انحصارات فراملی در مغایرت کامل با اصل تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما در این برهه تاریخی توفان زای کنونی جهان است.

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**

## پیام پنجمین کنگره حزب توده ایران به اعضاء و هواداران حزب

### رفقای عزیز!

پنجمین کنگره حزب توده ایران، گرم ترین دروهای رزمجویانه خود را به شما پرچم داران حزب ارانی و پیکارگران ثابت قدم صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، که در شرایط فوق العاده حساس و پیچیده کنونی میهن به مبارزه راه گشایانه و اتحادجویانه خود بر ضد رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه» ادامه می دهید، تقدیم می دارد. کنگره پنجم که در آستانه بیست و پنجمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، انقلابی که شما با رزم ستودنی خود در صفوفی متحد با دیگر نیروهای سیاسی دموکرات و آزادی خواه و با به مصاف کشیدن رژیم دیکتاتوری سلطنتی پیروزی آن را ممکن کردید، برگزار شد و با تجزیه و تحلیل شرایط اسفبار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور بار دیگر به ضرورت تعطیل ناپذیر ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، به مثابه عمده ترین سد بر سر راه تحولات بنیادین در میهن، انگشت تاکید گذارد. امروز همه نیروهای مدافع آزادی، دموکراسی و اصلاح طلبی، خصوصاً گردان های عمده جنبش مردمی، کارگران و زحمتکشان، جوانان و زنان بر پایه تجربه عینی خود در این امر متحد هستند که با وجود ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به اصلاحات واقعی در زمینه آزادی ها و دموکراسی امیدوار بود. نزدیک به یک ربع قرن پس از انقلاب ملی، دموکراتیک و استقلال طلبانه بهمن ۵۷ کارنامه حکومت جمهوری اسلامی کارنامه یک حکومت ورشکسته، ضد مردمی و ضدملی است که فقط با تکیه به سرکوب خشن و خونین، بند و بست با نیروهای ارتجاعی در عرصه بین المللی، و سودجویی از نبود جبهه یی فراگیر از نیروهای مدافع آزادی، دموکراسی و صلح به حیات خود ادامه می دهد.

### رزمندگان توده ای!

ادامه و تعمیق بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سال های اخیر، شرایط عینی جذب بخش های وسیعی از مردم میهن به مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» را ایجاد کرده است. گسترش ابعاد و تنوع اشکال مبارزه بر ضد رژیم، که در سال های اخیر و از جمله در رابطه با مبارزات دانشجویی شاهد آن بوده ایم، وظایف حساس و سرنوشت سازی را در مقابل همه نیروهای پیشرو جامعه قرار می دهد. در این شرایط حساس و با توجه به وضعیت بحرانی منطقه و تلاش های نیروهای ورشکسته و رانده شده سلطنت طلب در جهت توجیه مداخله امپریالیسم در کشور و انحراف توجه توده ها و به ویژه جوانان از آماج های عمده مبارزه، وظایف مهمی بر دوش مبارزان توده ای قرار گرفته است. افشاکاری و اطلاع رسانی در زمینه خطرات جدی یی که طرح های مداخله جویانه امپریالیسم، در زمینه احیای نیروهای وابسته به خود، با سوءاستفاده از فجایع و جنایات رژیم، و یا حتی استحاله کنترل شده رژیم و معامله با آن، به قیمت قربانی کردن جنبش آزادی خواهی، میهن ما را تهدید می کند، وظیفه یی تعطیل ناپذیر است. باید از تجربیات ذیقیمت دیگر خلق های جهان، و از جمله آفریقای جنوبی و ونزوئلا، درس آموزی کرد و راه های پیوند زدن مبارزه کارگران و زحمتکشان، جوانان و زنان در شرایط مشخص و ویژه میهن را برای مقابله با توطئه های دشمنان داخلی و خارجی

جنبش مردمی بررسی کرد. ضرورت امر سازمان دهی جنبش توده ای تعویق ناپذیر است.

### رفقای مبارز!

توده ای ها منادی آگاهی صنفی، اجتماعی، سیاسی و سازمانی اند. ما بر این باوریم که مسیر تحول جنبش آزادی خواهی از طریق گسترش سازمان های مردمی در تمام سطوح جامعه، بر مبنای اتحاد عمل و دموکراسی، میسر است. دموکراسی و آزادی واقعی تنها می تواند بر این زمینه پی ریزی شود و پایدار بماند. تشکل ها و سازمان های مدنی، صنفی، اجتماعی فراگیر کمک می کنند که مردم هر چه گسترده تر در تعیین سرنوشت خود فعال بشوند و از تجاوز به حقوقشان، از جانب هر که باشد و در هر زمان، جلوگیری کنند. هر نیاز مردمی، هر چند کوچک، می تواند پایه تشکلی دموکراتیک باشد که در استمرار خود به مراحل عالی تر فراروید. صحت این امر را تجربه سالهای اخیر نشان داده است. گسترش چنین نیرویی می تواند مهاری موثر بر نیروهای ارتجاعی جامعه و جلوگیری از فجایع و رنج های بیشتر باشد. تشکل ها و سازمان های صنفی کارگران و زحمتکشان در این عرصه می توانند نقشی پیگیر و رزمنده ایفا کنند.

### رفقای مبارز!

کار موثر و هدفمند در جهت ایجاد جبهه متحد نیروهای سیاسی دموکرات و آزادی خواه میهن بر محور عمده ترین شعار های جنبش مردمی، در لحظه کنونی، جنبه حیاتی دارد. در این رابطه باید در سطح جنبش برای ایجاد توانایی تحمل اندیشه های مختلف، و قبول ضرورت کار مشترک با همه آن نیروهایی که شعارهای سیاسی خود را در چارچوب تحولات دموکراتیک- ملی تنظیم می کنند، کاری هدفمند را سازمان داد. تشکیل جبهه متحد نیروهای آزادی خواه شرط ضرور پیروزی مبارزه برای تحولات پایه ای در میهن و سنگ بنای ایجاد جامعه ای آزاد و دموکراتیک است که، یک قرن پس از انقلاب مشروطه و با وجود فداکاری ها، صدمات و قربانیان بی شمار، هنوز ممکن نشده است. عدم همکاری و اتحاد نیروهای سیاسی، بی احترامی و بی توجهی به اندیشه های گوناگون، یکسونگری و خودمحوری، قدرت طلبی انحصاری و شیوه های مبارزه جدا از مردم چشم اسفندیار جنبش های انقلابی- اجتماعی یک قرن گذشته بوده است. کوشندگان راه آزادی و تحولات دموکراتیک تنها با توجه به اهمیت اتحاد عمل و تلاش در راه سازمان دهی مبارزه مشترک است که می توانند از تکرار تجربیات دردناک گذشته پرهیز کنند.

در مبارزات سرنوشت ساز کنونی برای آینده تحولات میهن اعضاء و هواداران حزب توده ایران بر پایه تجربیات شصت و دو ساله تاریخ مبارزاتی خود وظایف مهمی را در جهت برحذر داشتن جنبش از دام ها و گزند ترفندهای محیلانه ارگان های امنیتی رژیم به عهده دارند. جنبش اصلاح طلبی و فضای محدود ایجاد شده نباید ما را از هشپاری انقلابی نسبت به خطر سرکوب و جنایت نیروهای حکومتی نسبت به پیشروان جنبش غافل کند. فاجعه یی که خمینی و پیروانش، در دهه اول پس از انقلاب برای نیروهای دگراندیش آفریدند نباید ما را از احتمال

## ادامه پیام به اعضا و هواداران حزب ...

وقوع فاجعه مشابهی توسط حکام کنونی برای به دست گرفتن کنترل اوضاع در لحظات بحرانی محتمل آینده، غافل کند. نیروهای ارتجاعی که، در سال های پس از انقلاب بهمین، در پس پرده رشد کرده و شیرازه سیاست گذاری کلان رژیم را، و از جمله در عرصه امنیتی به دست دارند بسیار قدرتمندتر و هدفمندتر از این یا آن شخصیت سیاسی منتخب عمل می کنند. آنها با امکانات وسیع اطلاعاتی، امنیتی و نیروهای مسلح و نیمه مسلح، آماده اند تا ضربات جدی بی را بر پیکر جنبش مردمی وارد کنند.

حزب توده ایران همچنین به ضرورت تمایز جدی قائل شدن میان اصلاح طلبان حکومتی و جنبش اصلاح طلبی اصرار می ورزد. تجربه گرانمای شش سال اخیر ثابت کرده است که بخش عمده بی از اصلاح طلبان حکومتی با اولویت دادن به اصل «حفظ نظام» در برابر خواست های بر حق جنبش و مردم در حساس ترین مقاطع سرنوشت ساز در شش سال گذشته یا با ارتجاع مماشات کرده اند و یا در زمینه حفظ «ولایت فقیه»، غارت ثروت کشور، گسترش فاصله فقیر و غنی و سرکوب دگراندیشان در صف واحدی قرار گرفته اند.

## رفقای عزیز

حزب توده ایران سال های دشواری از حیات خود را، به همت شما رزمندگان دلیر، با موفقیت پشت سر گذاشته است، و با وجود همه صدمات و تلفات وارده توانسته است استوار و پیگیر همچنان در راه تحقق آرمان های بزرگ جنبش مردمی و طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما به پیکار خود ادامه دهد. رژیم جنایتکار نزدیک به بیست سال پیش حزب ما را مورد شدید ترین حملات قرار داد. صدها توده ای را به بند کشید، زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داد و شماری از برجسته ترین کارگران پیشرو، افسران دلاور ارتش، فعالان جنبش زنان و دانشجویی، متفکران، نظریه پردازان، نویسندگان، مترجمان، هنرمندان و رزمندگان راه آزادی و استقلال اجتماعی - رهبران، اعضا و هواداران حزب ما را در جریان کشتار جمعی زندانیان سیاسی، در تابستان سال ۱۳۶۷، قتل عام کرد. ولی این حملات و در کنار آن کارزار آگاهانه رژیم برای ایجاد اختلاف و گسست در صفوف حزب، نتوانست به اهداف شوم خود دست یابد. پنجمین کنگره حزب توده ایران اطمینان دارد که توده ای ها، پایبند به سنن افتخار آفرین جنبش کارگری و کمونیستی ایران، قادر خواهند بود تا نقش شایسته خود را به مثابه پیکارگران حزب ارانی، حزب شهدای انقلابی مبارزه برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی در شرایط حساس کنونی ایفاء کنند.

صفوف حزب توده ایران به همه رزمندگان راستین راه خلق و طبقه کارگر ایران تعلق دارد. تقویت و گسترش هرچه بیشتر این صفوف، حفظ انسجام تشکیلاتی و تلاش در راه گسترش مبارزه آن از جمله عمده ترین وظایفی است که توده ای ها هر کجا که باشند در راه تحقق آن لحظه بی درنگ نخواهند کرد.

دروود پرشور به خاطره تابناک شهدای توده ای و دیگر شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

زنده باد حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان! پنجمین کنگره حزب توده ایران

## مصاحبه با دبیر کل حزب کمونیست عراق

## خشونت به اشغال کمک می کند

روزنامه اومانیه در تاریخ ۱۴ آبان ماه (۵ نوامبر) متن مصاحبه خود با رفیق حمید مجید موسی، دبیر کل حزب کمونیست عراق را منتشر کرد که ترجمه متن کامل آن در زیر ارائه می شود.

\*\*\*\*\*

**اومانیه:** در سوء قصد روز اول ماه رمضان در بغداد یک هلی کوپتر آمریکایی سرنگون شد و دیروز هم باز یک سرباز نیروهای ائتلاف در پایتخت عراق کشته شد. شما موقعیت را چگونه تحلیل می کنید؟

**حمید مجید موسی:** با اشغال، جنگ دنبال شده است. گروه های کوچک و عناصری از نخبه گان که در گذشته سود می بردند، بسیاری از امتیازات خود را از دست داده اند، ولی هنوز می خواهند آن امتیازات را داشته باشند. آنها جنایت های فراوانی را مرتکب شده اند و اهمه دارند که اگر وضع ثبات پیدا کند، به محاکمه کشیده شوند. به همین دلیل است که آنها برای بازگشت رژیم - با صدام یا بدون او - می جنگند. آنها در میان نیروهای افراطی اسلامی بک همدستی و همدستانی واقعی یافته اند. چنین چیزی قبل از جنگ نیز وجود داشت، آن وقت اسلامیت ها در کردستان بر ضد دموکراسی به کار گرفته می شدند. آنها هواداران «انصار اسلام» و «القاعده» بودند و از لحاظ سیاسی و نظامی در افغانستان آموزش دیده بودند.

پیش از این در بغداد، در موصل و در رمادی، گروه هایی که خود را «وهابی» می نامیدند، وجود داشتند. پس از جنگ رشته های نیرومندی این گروه ها را که، نزدیکان رژیم سابق را نیز شامل می شود، به هم پیوند داد. اینان به سازمان دهی مجدد پرداختند. همه آنها اهداف یکسانی دارند که از جمله افشاندن بذر ناامنی است. نیروهای اسلامی الزاماً نمی خواهند که دوباره صدام را به قدرت برسانند، بلکه خواهان یک رژیم مذهبی با حاکمیت روحانیون اند. آنها از فضای باز ایجاد شده پس از ۹ آوریل (روز سقوط صدام)، به رغم حضور نیروهای اشغال گر، استفاده کردند. آمریکایی ها فقط به جستجوی ۵۵ نفر سران اصلی و شاخص رژیم اکتفا کردند ولی دیگر وابستگان سرسخت رژیم در محل و در جای خود باقی مانده اند. وفاداران به صدام قسمت اساسی قدرت خود را، به ویژه قدرت مالی را، حفظ کردند، بدون این که از حضور آمریکایی ها که به تنهایی مسئولیت امور امنیتی را به دست گرفته اند، ناراحت باشند. به همین جهت نیز است که آنها می توانند اعمال تروریستی خود را بر ضد مردم عراق به پیش ببرند. عدم مراقبت مرزها، به سازمان های بزرگ تروریستی بین المللی اجازه می دهد که از کشورهای مجاور به سرزمین ما وارد شوند. این ها نیروهایی هستند که به سازمان های غیر نظامی و به مدارس یورش می برند.

**اومانیه:** این ها خود را مقاومت مردم عراق می نامند و به نیروهای آمریکایی حمله می کنند.

**حمید مجید موسی:** در حقیقت آن ها مقاومت ملی را نمایندگی نمی کنند. این یک گروه تروریست تبهکار است. هدف آن ها با وجود ادعای ضد آمریکایی بودنشان، آزادی عراق نیست. در اصل هدف آن ها متوجه استقرار یک رژیم مطلقه دیگر است که ما را به قهقرا خواهد برد. اعمالی که آن ها انجام می دهند در عین حال طبیعت اهداف آن ها را نشان می دهد. آن ها کمک بزرگی برای آمریکایی ها و نیز برای ادامه اشغال گری هستند. مقاومت واقعی آن روندی است که اجازه دهد تا به پایان

## ادامه تضاد ماهوی رژیم ولایت فقیه ...

سیاسی»، «قصور در تطبیق کامل با استانداردهای بین المللی در زمینه مدیریت قضایی، فقدان فرآیند مقتضی قانون، استفاده از قوانین ملی امنیتی برای نادیده گرفتن حقوق افراد و عدم احترام به موازین حقوقی به رسمیت شناخته شده بین المللی» به طور جدی ابراز نگرانی کرده است. «تبعیض نظام یافته بر ضد زنان و دختران، در قانون، و در عمل» و «تداوم تبعیض بر ضد افراد متعلق به اقلیت های مذهبی از جمله بر ضد بهایی ها، مسیحیان، یهودیان و سنی ها، بازداشت، ادامه دستگیری ها و نادیده گرفتن آزادی عبادت و یا انجام امور اجتماعی» و همچنین «تداوم تعقیب، مجازات و زندانی کردن مدافعین حقوق بشر، مخالفان سیاسی و ناراضیان مذهبی و اصلاح طلبان» از دیگر موارد محکومیت رژیم است.

صدور قطعنامه سازمان ملل متحد بر ضد رژیم ولایت فقیه بازتاب وسیع داخلی و بین المللی داشت و شماری از اصلاح طلبان حکومتی، «جناح راست» را مسئول مستقیم صدور این قطعنامه که گویا باعث «بدنامی» رژیم خواهد شد دانستند. ولی واقعیت این است که سرکوب حقوق بشر در ایران بخش درهم تنیده و جدا ناپذیر ساختار حکومتی کنونی است و همه کسانی که در راه حفظ این ساختار تلاش می کنند آگاهانه و یا ناآگاهانه بخشی از دستگاه ظلم و سرکوب حقوق بشر در ایرانند. تجربه شش سال گذشته، از قتل های زنجیره ای دگراندیشان و مبارزان راه آزادی تا ادامه و بسط بساط سرکوب، شکنجه و نابودی فیزیکی دگراندیشان نشان داده است که با ادامه رژیم ولایت فقیه نمی توان هیچ گونه خوش بینی در زمینه تحقق آرمان های جنبش مردمی برای استقرار دموکراسی و تحقق حقوق بشر داشت. تنها با طرد رژیم ولایت فقیه، انحلال دستگاه های سرکوب رژیم، به ویژه نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران و دستگاه بیداد قضایی رژیم است که می توان زمینه را برای استقرار یک حکومت مردمی و متکی به آراء مردم فراهم آورد. تحقق این مهم نیز تنها با تشدید مبارزه گسترده و سازمان یافته همه نیروهای ملی و دموکراتیک، در کنار نیروهای اجتماعی: کارگران و زحمتکشان، جوانان و دانشجویان و زنان رزمنده میهن ما امکان پذیر است.

## ادامه مصاحبه با دبیر کل حزب کمونیست عراق ...

فکر می کنند که شورای حکومتی موقت مسئول تمامی آن چیزهایی است که اتفاق می افتد.

**اومانیته:** بنا بر این چرا باید در این شورای حکومتی موقت شرکت کرد؟

**حمید مجید موسی:** من نگفتم که شورای حکومتی موقت هیچ گونه اقتداری ندارد. وزرا انتخاب شدند و قوانین به تدریج آماده می شوند. ما دقیقاً برای این که اقتدار شورا گسترش بیابد وارد این شورا شده ایم. این شکلی است از مقاومت. به تدریج ساختارها و نهاد هایی ایجاد می شوند که جانشین «اشغال» می شوند و به ما اجازه می دهد که به اشغال گران بگوییم: «ما قادریم کشور خود را باز سازی کنیم، پس از عراق خارج شوید.»

**اومانیته:** در خارج از شورای حکومتی موقت، حزب کمونیست چگونه عمل می کند؟

**حمید مجید موسی:** قصد ما بسیج توده ها برای بازسازی کشور برای آزادی و برای دموکراسی است. در این زمینه ما در تمام بخش ها کار می کنیم تا سرانجام مردم را با مطالبات سیاسی و اجتماعی شان همراهی کنیم و تلاش برای برپا داشتن ادارات ملی خدمات عمومی داریم. در عین حال ما می خواهیم که احزاب و نیروهای عراقی را مجتمع سازیم. ما مجلات و نشریات مان را منتشر می کنیم. هدف عبارت است از پایان دادن به اشغال کشور، اعاده استقلال و ایجاد دموکراسی.

مجلات مطلب می نویسند نشانگر وجود آزادی در ایران است. نکته ای که در این ادعاهای عوام فریبانه پنهان می ماند این است که وجود این آزادی های بسیار محدود، که در آن نه نماینده مجلس اش مصونیت دارد و نه نویسنده و خبرنگارش، و انبوه زندانیان سیاسی رژیم بهترین گواه این مدعا است، نتیجه توانمندی جنبش مردمی و هراس شدید ارتجاع از انفجار عظیم اجتماعی است. درست به همین سبب است هنگامی که ارتجاع به این ارزیابی می رسد که توان اجتماعی جنبش رو به تضعیف است و حضور مردم کم رنگ شده است، تهاجم وسیع دستگاه سرکوب به دانشجویان، نویسندگان، روزنامه نگاران و دگراندیشان دوچندان می شود و بساط شکنجه و داغ و درفش و سازمان دهی شو های مشمزه کننده تلویزیونی یی قربانیان شکنجه بار دیگر روندی تزییدی یافته است. مردم ما و افکار عمومی جهان فراموش نکرده اند که سردمداران رژیم ولایت فقیه همان کسانی هستند که دستور قتل عام هزاران زندانی سیاسی را بدون کوچکترین نگرانی صادر کردند و تا به امروز از این جنایت هولناک و مجریان آن دفاع می کنند.

مسئله دیگر در زمینه تضاد ماهوی رژیم با دموکراسی و حقوق بشر این است که کشوری که مرجع رسیدگی به ظلم، و استقرار عدالت و حقوق مردم، یعنی قوه قضائیه آن، خود بخش اساسی و جدا ناپذیری از دستگاه سرکوب خشن و خونین حقوق مردم است، چگونه می توان مدعی احترام به حقوق شهروندان، آزادی، دموکراسی و استقرار جامعه مدنی بود. باز به همین دلیل است که در روزهای اخیر رژیم ولایت فقیه بار دیگر به دلیل نقض خشن حقوق بشر، از سوی سازمان ملل متحد، برای چندمین سال پیاپی، محکوم شد. بر اساس گزارش های مخابره شده «کمیته اجتماعی بشردوستانه و فرهنگی» مجمع عمومی سازمان ملل، با تصویب قطعنامه یی ایران را به دلیل نقض حقوق روزنامه نگاران، استادان دانشگاه، زنان، روحانیون، نمایندگان مجلس و اقلیت های مذهبی محکوم کرد. پیش نویس این قطعنامه از سوی دولت کانادا تنظیم شده بود و در آن با اشاره به ادامه نقض حقوق بشر در ایران خواستار اعزام دو گزارشگر ویژه کمیسیون ویژه حقوق بشر به ایران شده بود. این قطعنامه نسبت به «تداوم نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی»، «تداوم وخامت اوضاع در ارتباط با آزادی افکار و عقاید، به ویژه در زمینه افزایش تعقیب ها»، و از جمله «دستگیری ها، زندانی کردن بدون اتهام و یا محاکمه، حمله قوه قضائیه و نیروهای امنیتی بر ضد روزنامه نگاران، نمایندگان مجلس، دانشجویان، روحانیون و استادان دانشگاه و واکنش شدید نسبت به تظاهرات دانشجویی، زندانی کردن، بدرفتاری و استفاده از کمیته انضباطی دانشگاه بر ضد کسانی که در این تظاهرات شرکت کرده اند» نگرانی جدی خود را اعلام کرده است. این پیش نویس همچنین نسبت به «استفاده از شکنجه و دیگر اشکال مجازات های بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز» به ویژه «مثله کردن و شلاق زدن» و نیز «تداوم محدودیت ها برای مجلس و انحلال اجباری احزاب

## ادامه پیام های احزاب کارگری و کمونیستی ...

مخصوصاً مبارزه فلسطینی ها در نبرد با امپریالیسم و صهیونیسم ابراز می کنیم. ما بایکدیگر برضد امپریالیسم متجاوز، جهانی شدن سرمایه داری و جنگ افروزانی که از خونریزی مردم و عرق جبین طبقه کارگر سود می برند مبارزه خواهیم کرد.

**زنده باد حزب توده ایران، زنده باد سوسیالیسم و کمونیسم.**  
**منیر حمارنه ، دبیر کل حزب کمونیست اردن**

## پیام جبهه ترقی و دموکراسی بحرین

رفقای گرامی،

پیش از هر چیز مایلیم گرم ترین درودهایمان را به مناسبت برگزاری پنجمین کنگره حزب برادر توده ایران تقدیم کنیم. صمیمانه امیدواریم که این کنگره با موفقیت کامل برگزار شود.

رفقای گرامی،

شما کنگره تان را در وضعیت سیاسی منطقه ای و بین المللی بسیار پیچیده ای برگزار می کنید. این وضعیتی است که همه بشریت را به یک فاجعه تهدید می کند. روند «جهانی شدن» با نظامی کردن روابط سیاسی بین المللی و استفاده از زور برای حل مناقشه بین ملت ها، گامی دیگر به جلو برمی دارد. اشغال عراق این امکان را به آمریکا می دهد که به کل خاورمیانه برتری یابد. محرک های آمریکا در این جنگ، نه خلع سلاح عراق از سلاحهای کشتار جمعی و نه برقراری دموکراسی برای مردم عراق است. اهداف واقعی آمریکا ماورای اینها و در خدمت تأمین هژمونی آمریکاست. ذخایر نفتی این منطقه اهمیت فراوانی دارند و کنترل این ذخایر برای برآورده کردن نیازهای اقتصادی آمریکا امری ضروری است. در نتیجه، از نظر آمریکا تمام کشورهای منطقه، و نه فقط عراق، می باید به این خواست های آمریکا گردن بنهند. آمریکا در تلاش است که وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه را دگرگون کند. در مقیاس گسترده تر، کنترل ذخایر نفت این منطقه، امری قوی است در دست آمریکا برای مقابله با رقبای اروپایی، چینی و ژاپنی اش. آمریکا در پی بازسازی نظام سیاسی و اقتصادی جهان به سود منافع خودش است و این امر نیازمند آن است که نه تنها کشورهای ضعیف و کمتر رشد یافته یی مثل عراق، بلکه رقبای امپریالیستی در اروپای غربی و ژاپن نیز تسلیم خواستهای آمریکا شوند. آمریکایی ها به غیبت نقش مردم در صحنه اشاره می کنند، و مدعی اند که دموکراسی را به منطقه باز خواهند گرداند. مهم است که به مردم آگاهی داد که آمریکا صرفاً علاقه مند به برقراری آن نوع دموکراسی است که در خدمت منافع و برنامه هایش در راه برتری بر جهان باشد. به اعتقاد ما عامل مردم، عامل مهمی در ارتباط با مسأله دموکراسی است. برقراری دموکراسی واقعی، و دادن نقش فعال به مردم در تصمیم گیری نسبت به امور ملی، گام هایی مهم در راه کسب پشتیبانی مردم اند. به نظر ما، در این منطقه، ما و شما با چالش های یکسانی در این زمینه رو به رو هستیم. شما درگیر «فرایند اصلاحات» هستید که با چشم اندازی امید بخش آغاز شد، ولی اکنون با موانع فراوانی رو به روست و ممکن است که به بن بست برسد، مگر اینکه گام های کیفی مؤثری برداشته شوند و به اوضاع سر و سامانی به نفع مردم، به ویژه فقر زدگان، داده شود. در بحرین، ما دموکراسی شکننده ای داریم که نیازمند اصلاحات از لحاظ بازگرداندن حقوق مقننه به مجلس منتخب و پایه گذاری یک دولت دموکراتیک مدرن است.

رفقای گرامی،

بار دیگر، برایتان بهترین آرزوها را در راه برگزاری موفقیت آمیز کنگره پنجم تان داریم، و مشتاقانه خواهان تحکیم روابط دو جانبه مان در جهت منافع ملت هایمان هستیم. زنده باد حزب توده ایران؛ زنده باد خاطره شهدای کمونیست و جنبش میهنی ایران  
زنده باد کمونیسم

## جبهه ترقی و دموکراسی بحرین

## ادامه مصاحبه با دبیر کل حزب کمونیست ...

اشغال گری و بازگشت آزادی منجر شود.

**اومانیتته** : آیا «شورای حکومتی موقت» که حزب کمونیست در آن شرکت دارد، در برابر اشغال، مقاومتی را عرضه می دارد؟

**حمید مجید موسی** : حزب کمونیست تصمیم گرفت تا در شورای حکومتی موقت شرکت کند، برای این که آن را یکی از عرصه های نبرد سیاسی برای کسب حقوق خلق ارزیابی می کرد. شورای حکومتی موقت در حال حاضر برای تسریع در انتقال قدرت به دست عراقی ها فعالیت می کند. این یک مقاومت منفی است، مقاومتی که با موفقیت پیچیده عراق مطابقت دارد. تقسیم بندی های جدید و نیروهای تازه در جهان را، که تمایلات خلق ما را در نظر می گیرند و درک می کنند، به حساب می آورد. ما در نبرد دائمی با اشغال گران هستیم. ما برای حقوق افراد، برای امنیت و برای تدارک قانون جدید مبارزه می کنیم. در داخل شورای حکومتی موقت، ما برای این که امر برقراری امنیت دیگر در دست آمریکایی ها نباشد، می رزمیم. ما دیگر به نیروهای خارجی احتیاجی نداریم. برای ما لازم است که ارتش را باز سازی کنیم و برای آن وسایل لازم را که بتواند نقش خود را به طور کامل ایفا کند، فراهم آوریم. همچنین باید روی احزاب سیاسی تکیه کرد. البته نباید آن ها را همچون «میلیشا» های مسلح در نظر گرفت، بلکه باید همچون نیروهایی دید که توانایی های خود را در اختیار کشور قرار می دهند و به همین شیوه مردم باید بتوانند که کوششان متوجه حمایت از موسسه ها و ادارات غیر نظامی باشد، مرزها نیز باید تحت مراقبت شدید قرار گیرد.

**اومانیتته** : اما شورای حکومتی موقت از سوی مردم عراق به مثابه آلتی در دست آمریکایی ها تلقی می شود. فکر می کنید چگونه می توان پذیرش توده ای را کسب کرد؟

**حمید مجید موسی** : شورای حکومتی موقت در دست آمریکایی ها نیست. این شورا مسایل و مشکلات عراقی ها را مطرح می سازد و به آن ها می پردازد و می کوشد که نقش فعال تری را در جهت اتخاذ تصمیمات عمده ایفا کند. درست است که امروزه اقتدار شورای حکومتی موقت بسیار محدود است و قدرت های اساسی در دست اشغال گران است و این امر مربوط به قطعنامه شماره ۱۴۸۳ می شود که، در آن کنترل اقتصادی و آینده سیاسی عراق به دست ائتلاف نیروهای آمریکایی و انگلیسی سپرده شده است و سازمان ملل نقش دیگری به غیر از انجام کمک های انسانی ندارد. به این قطعنامه از سوی تمام اعضای حاضر در شورای امنیت و از جمله فرانسه، رای داده شد. اما قطعنامه ۱۵۱۱ بهتر می تواند به ما در اعلام حق حاکمیت مان کمک کند.

بنا بر این عراقی ها می توانند شورای حکومتی موقت را با حسن نیت بیشتری بنگرند. متأسفانه آن ها

## پیام حزب کمونیست اردن

با کمال مسرت، به نمایندگی از جانب حزب کمونیست اردن، پیام تبریکات برادرانه و آرزوی موفقیت کنگره پنجم حزب توده ایران را به شما ارسال می کنیم. ایران در این روزها به همراه کشورهای عربی، در مرکز طوفان مداخلات امپریالیسم قرار دارد و لذا کنگره شما از اهمیت بسیاری برخوردار است. ما مشتاقانه در انتظار دریافت نتایج و جزئیات تحلیل های شما هستیم. امروز دو جنبه نگران کننده در منطقه، یکی اوضاع عراق بعد از جنگ و تجاوز امپریالیسم و دیگری شرایط داخلی ایران هستند.

ما با علاقه دو سندی را که منعکس کننده خلاصه نظرات شما در مورد اوضاع داخلی ایران است مطالعه کردیم و باید اذعان کنیم که نتیجه گیری شما در مورد بن بست رسیدن فرایند اصلاحات، به رهبری خاتمی، صحیح است. مبارزه شما در راستای سازمان دهی جبهه متحد، متشکل از نیروهای متعهد به دموکراسی و آزادی بشر، بر ضد دیکتاتوری قابل تقدیر است. در راهیابی برای برون رفت از بن بست و مقابله با نیروهای ضد اصلاحات، امروز چشم ها بیشتر از هر زمان دیگر متوجه کمونیست های ایران است.

منطقه نفت خیز ما دائما در گیر بلیه جنگ و اشغال است. مجموعه جنگ های خلیج (فارس) که با اشغال عراق به وسیله آمریکا و انگلیس به اتمام رسید، به همراه ۵۰ سال یورش اسرائیل بر ضد مردم فلسطین، راه تحولات، پیشرفت اجتماعی و دموکراسی واقعی در کشورهای ما را مسدود کرده اند. نیروهای ماورا راست در اسرائیل به رهبری شارون قصاب با سوءاستفاده از پشتیبانی نامحدود دولت امریکا در صدد تحمیل هر چه بیشتر جنایات جنگی بر فلسطینی ها و جلوگیری از رسیدن به توافق عادلانه در تضمین حقوق مردم فلسطین برای حق برگشت، خود مختاری و بنیان گذاری کشوری مستقل با پایتختی اورشلیم شرقی است.

ما با استفاده از این فرصت سپاس گزاری برادرانه خود را از همبستگی شما با مبارزه مردم عرب و

## پیام های احزاب کارگری و کمونیستی و نیروهای مترقی به پنجمین کنگره حزب توده ایران

## پیام حزب کمونیست اسرائیل

به شرکت کنندگان در کنگره پنجم حزب توده ایران رفقای گرمی،

خرسندیم که به مناسبت برگزاری پنجمین کنگره حزبتان، دروهای گرم و رفیقانه کمونیست های اسرائیل را تقدیم شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزبتان تقدیم کنیم.

کنگره شما در زمانی برگزار می شود که طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیک و صلح دوست سراسر دنیا، در پیامد آنچه به عنوان نظم نوین جهانی از آن نام برده می شود، با تهاجمی فزاینده از سوی شرکتهای بین المللی و محافل ارتجاعی حاکم رو به رویند. به همین سبب استحکام اتحاد طبقه کارگر، ژرفش همکاری های همه نیروهای چپ و مترقی، و اعتلای همبستگی بین المللی، امروزه از اهمیت فراوانی برخوردار است. دولت آمریکا، با بهره گیری از حملات جنایتکارانه ۱۱ سپتامبر بهانه بی پیدا کرد که به افغانستان حمله کند و متعاقب آن عراق را به اشغال خود درآورد. بر خلاف ادعاهای هدف این حرکات مقابله با مسأله تروریسم نیست بلکه تلاشی است برای تغییر اساسی روابط بین المللی به شکلی که سرکردگی آمریکا و شرکت های فراملی در تمام قاره ها تأمین و تقویت شود.

حزب کمونیست اسرائیل نگران آن است که دولت جورج بوش این جنگ ها را به ابزاری عادی در رفتار بین المللی تبدیل کند و از آنها در رابطه با همه کشورهای بی گناهی که به «تروریسم» متهم شان می کند، از جمله ایران، استفاده کند. به رغم به اصطلاح «نقشه راه»، خونریزی دهشتناکی در منطقه ما در جریان است که ناشی از تلاشهای دولت اسرائیل، با پشتیبانی دولت آمریکا، برای خرابکاری در چشم انداز موافقتنامه صلح بین اسرائیل و فلسطین است.

حزب کمونیست اسرائیل همه طرفداران صلح و دموکراسی در اسرائیل و جهان را فرا می خواند که در برابر بهره برداری شوم دولت شارون از هیستری جنگ، به منظور تشدید اشغال تجاوزکارانه، از جمله کشتار روزانه فلسطینی ها، تخریب خانه ها و مزارع، و استقرار شهرک های بیشتر، صدای اعتراض خود را بلند کنند.

راه صلح و امنیت برای هر دو ملت اسرائیل و فلسطین از مسیر پایان اشغال، تخلیه شهرک های یهودی نشین، در کرانه غربی و نوار غزه، استقرار یک دولت فلسطینی، با پایتختی اورشلیم شرقی، و حل مسأله پناهندگان مطابق با قطعنامه های سازمان ملل می گذرد.

رفقای عزیز،

مشتاقانه خواهان گسترش دوستی و همکاری بین دو حزبمان هستیم و برای شما و کنگره پنجم تان آرزوی موفقیت داریم.

با دروهای برادرانه

ایسام مخول

دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل

## کمک های مالی رسیده

۱۰۰ یورو

از جنوب آلمان

۱۵۰ یورو

از برلین

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 674**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

25 November 2003

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک